

بررسی نقش اجتماعی پیامبر(ص) با تکیه بر آیات قرآن کریم

مهدی حشمتی^۱

^۱ دکتری تاریخ جامعه المصطفی(ص)، استاد جامعه المصطفی(ص) heshmati1361@gmail.com

چکیده

انسان برای کسب مدارج والای اخلاقی و انسانی به الگوی مطمئنی نیاز دارد. بنا بر آیات قرآن مطمئن ترین و نیکو ترین الگو رسول گرامی اسلام است. عامل عمده نفوذ و محبوبیت ایشان در بین امت و اجتماع اسلامی بارها در قرآن مورد تمجید قرار گرفته و آن الگو بودن خُلق عظیم نبوی است. علاوه بر اُسوه بودن خصوصیات اختصاصی دیگری مانند: وجوب نماز شب، مکتوب بودن نام پیامبر اسلام(ص) در عهدین، اعطای کوثر، خاتمیت و شخصیت جهانی، تجلیل در خطاب و منت بودن بعثت ایشان بر مؤمنان، در قرآن ذکر شده است. در بیان چگونگی نقش اجتماعی رسول گرامی در میان مردم محورهای مانند امانت داری، وفای به عهد، صداقت و راستگویی، عفو و گذشت، اخلاص، ادب، استقامت، مدارا، مسئولیت پذیری، مسائل مالی، مشورت و... وجود دارد که بعضی از آنها مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی، نقش اجتماعی پیامبر(ص)، با استناد به آیات قرآن بررسی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی

پیامبر(ص)، اجتماع، قرآن کریم، نقش

مقدمه

انبیای الهی تاثیراتی شگرف بر روی انسانهای اطراف خود گذاشتند و با مسئولیتهایی که از خدای متعال دریافت میکردند توانستند انسانهایی که عنود و لجباز نبودند را از لغزشگاه ها حفظ کنند. تشریح و تبیین وحی، احترام به مستضعفان و محرومین، دعوت به توحید، تقوا، حل و فصل اختلافها، پیکار با خرافات و شرک و جهل، انذار و تبشیر، معجزه، محترم شمردن محرومان و تبیین وحی از جمله اقدامات اجتماعی تاثیرگذار رسول گرامی اسلام بود. سؤال کلیدی این جستار این است که آیا در قرآن کریم نقش اجتماعی پیامبر بزرگوار اسلام (ص) وجود دارد که تنها اختصاص بدو داشته باشد و بدین وسیله آن حضرت (ص) بتواند دین را به سر منزل مقصود برساند؟ آنچه مسلم است اینکه تا تاثیرپذیری از داعی هر هنجار و باوری منبعث نباشد استمرار و جاودانگی و فضیلت بخشی امکان پذیر نخواهد بود و خداوند در این خصوص می فرماید: ﴿وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَأَتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا: ... ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم و به داوود، زبور بخشیدیم﴾^۱. نیز می فرماید: ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ: ... بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم...﴾^۲. حقانیت پیامبر (ص) با تعبیرهای مختلف در کتابهای آسمانی پیشین (تورات و انجیل) وجود دارد، چنان که انسان را به حقانیت ایشان مطمئن می سازد. قرآن کریم در این باره می فرماید: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ... همانها که از فرستاده (ی خدا)، پیامبر «امی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفات او را در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند...﴾^۳

ضرورت این بررسی زمانی آشکارتر می شود که تنها کسی که خدا در وصفش فرموده: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُتُبَ: ما به تو کوثر [خبر و برکت فراوان] عطا کردیم﴾^۴، قرآن از او به عنوان «اول المسلمین» یاد می کند، رسول خداست. معلوم می شود این اولویت، زمانی و تاریخی نیست؛ زیرا اگر اولویت زمانی بود، هر پیغمبری نسبت به قوم خویش «اول المسلمین» بود و انبیای پیشین نیز به طریق اولی می توانستند مصداق این اولویت باشند. از اینکه خدای سبحان تنها به پیامبر اسلام فرمود: بگو مأمورم که «اول المسلمین» باشم، برای آن است که وی اولین صادر یا اولین ظاهر است؛ یعنی در رتبه وجودی او هیچ کس قرار ندارد، چنان که آن حضرت در قیامت، اول کسی است که محشور می شود.^۵ لذا بررسی نقش وی و تاثیرات اجتماعی شخصیتی که «إِنَّهُ أَوْلُ مَنْ أَجَابَ فِي الْمِيثَاقِ: نخستین کسی که در عالم ذر و گرفتن عهد و میثاق، لبتیک گفته است، مقدم بر اسلام همه خلایق است»^۶ راهگشای ملتها و دولتها برای کسب سعادت است. از آیه ۱۶۳ سوره انعام نیز چنین برمی آید که اسلام بر دیگر ادیان فضیلت دارد و پیروی از اسلام واجب است؛ زیرا پیامبر اسلام (ص) اولین کسی است که مأمور شد در برابر اسلام تسلیم شود و دیگران جز تبعیت از او وظیفه دیگری ندارند.^۷

بررسی نقش اجتماعی پیامبر (ص) در قرآن

الف) وفای به عهد

در آموزه های دینی وفای به عهد و پیمان یکی از نشانه های دینداری و علامت ایمان شناخته شده است. وفای به عهد به اندازه ای اهمیت دارد که قرآن کریم یکی از ویژگیهای نماز گزاران را وفای به عهد ذکر کرده: (وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ وَعْدهُمْ رَاعُونَ کسانی که به عهد و پیمانشان پایبند هستند).^۸

۱. الإسراء / ۵۵

۲. البقره / ۲۵۳

۳. الأعراف / ۱۵۷

۴. الكوثر / ۱

۵. ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۸ ص ۳۰

۶. فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ج ۲ ص ۶۵۴

۷. ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۹ ص ۳۶

۸. معارج / ۳۲

در آیات ۲۲ تا ۳۵ سوره معارج، سیمای امت اسلامی و جامعه ایده‌آل ترسیم شده است رابطه دائمی و کامل با خداوند. از طریق نماز به مشکلات محرومان توجه دارند و بخشی از مال خود را حق آنان می‌دانند، به خاطر ایمان به معاد و ترس از حساب، بر افکار و گفتار و رفتارشان تقوا حاکم، به امانات و تعهداتشان پایبندند.

نسبت به حقوق مردم قیام می‌کنند و اگر برای شهادت و گواهی دعوت شوند رد نمی‌کنند در ارضای گزینه جنسی، به دنبال راه حلال و تشکیل خانواده و نسل پاک هستند. امانت شامل امانت معنوی نیز می‌شود، همچون مسئولیت‌ها، اسرار مردم و آبروی آنان هر عهد و پیمانی لازم الاجرا می‌باشد: با مردم، با خدا، با رهبران دینی، با همسر و...

در قرآن مراد از عبارت «عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» ترک نکردن و مراد از «عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» جدی گرفتن نماز است. همچون انتظار نماز، وضو گرفتن قبل از رسیدن وقت، با جماعت و در مسجد خواندن نماز و مراعات شرایط صحت و قبولی و کمال نماز^۹ و اینها همه نشان از وفای عهد می‌باشد که پیامبر(ص) آن صفت را در موارد معنوی و عبادی نیز تعلیم دادند. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خیانت در امانت، عدم وفای به عهد و دروغ‌گویی، از نشانه‌های نفاق شمرده شده است.^{۱۰} یکی از ویژگیهای تقوا و صداقت و ایمان راستین را وفای به عهد شمرده است. «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَاتَى السَّبِيلَ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ إِذَا عَاهَدُوا» یکی (تنها) این نیست که به هنگام نماز روی خود را به سوی مشرق یا مغرب بگردانید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده و مال (خود) را با علاقه ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و بیچارگان و در راه ماندگان و سائلان و در راه آزادی) بردگان بدهد، و نماز را برپای دارد و زکات را بپردازد و آنان که چون پیمان، بندگان به عهد خود وفا کنند و آنان که در (برابر) سختیها، محرومیتها، بیماریها و در میدان جنگ، استقامت به خرج میدهند، اینها کسانی هستند که راست گفتند و گفتار و رفتار و اعتقاداتشان هماهنگ است و اینان همان پرهیزکارانند.^{۱۱} خداوند برای ورود به بهشت شرط‌هایی گذاشته است، از جمله فرموده: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ إِذَا عَاهَدْتُمْ» به عهد و پیمانی که با من بسته اید وفادار باشید تا من نیز به پیمان خود نسبت به شما وفا کنم.^{۱۲}

از نظر آموزه های اسلام، از مهمترین اصول اخلاقی یک جامعه آرمانی که هر خردمند و عاقلی پایبند آن است، وفاداری و عدم نقض عهد و پیمان است، چرا که کسب و کار و معیشت مردم که رکن اصلی زندگی اجتماعی مردم است در صورت عدم التزام به این صفت به آشفتگی انزوا و هرج و مرج کشیده می‌شود. در آیات قرآن به پیامبر دستور داده شده تا وفای به عهد را اشاعه و ترویج دهد مورد آن مردم حجاز را که معمولاً اهل خلف وعده بودند را به سوی ثبات قولی سوق دهد؛

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقَّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُوَفُّونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يُنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ پس آیا کسی که میداند آنچه از جانب پروردگارت بسوی تو نازل شده حق است، مانند کسی است که ناپیوسته؟ همانا تنها صاحبان خرد پند میگیرند (خردمندان) کسانی هستند که به پیمان الهی وفا می‌کنند و عهد او را نمی‌شکنند.^{۱۳} پیامبر(ص) که پیام آور وحی و فرمان الهی بود، خود الگو و آینه تمام‌نمای عمل به دستورات و فرامین خداوند است؛ از این رو ایشان (ص) سخت، پایبند به عهد و پیمان بودند و به آن توصیه و سفارش می‌فرمود و از بدقولی و پیمان شکنی بشدت منع میکرد.

ب) امانت داری

ویژگی دیگری در جامعه حجاز قبل از پیامبر(ص) وجود داشت که امانت داری و حلف و هم پیمان شدن است. این هم پیمان شدن قبایل تمام حقوقی را که فرد در یک قبیله داشت میان دو قبیله یا همگی قبایل هم پیمان روان می‌کرد این احلاف براساس دلایل متفاوتی پدید می‌آمد. مثلاً وقتی قبایل مختلف شاهد وجود جنگ و اختلاف بر سر آب و چراگاه میان خود و دیگران یا بین قبایل دیگر بودند این

^۹. تفسیر نور، محسن قرائتی، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش، چاپ یازدهم، به نقل از تفسیر کبیر فخررازی

^{۱۰}. سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۳۱

^{۱۱}. بقره/۱۷۷

^{۱۲}. بقره/۴۰

^{۱۳}. رعد/۱۹

انگیزه ای می شد تا قبایل ضعیف به یکدیگر یا به قبیله ای قدرتمند پیوسته با او هم پیمان شوند.^{۱۴} پیامبر (ص) بر مهمترین اصل از اصول اخلاقی یعنی امانتداری تأکید داشته و دیگران را به آن دعوت می کرد. در مسائل اقتصادی که لغزشگاه بسیاری از انسانها است ایشان هرگز به گونه ای عمل نکرد که کسی بتواند خدشه ای در رفتار اقتصادی ایشان وارد سازد و او را متهم به اختلاس و حق خوری کند. مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُعْلَلَ وَ مَنْ يُعْلَلُ يَأْتِ بِمَا عَلَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوْفَى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ هیچ پیامبری را نسزد که خیانت کند و هر کس خیانت کند آنچه را که در آن خیانت نموده روز قیامت به همراه آورد، سپس به هر کس پاداش کامل آنچه کسب کرده داده شود و آنهاستم نبینند.^{۱۵} این در حالی است که برخی در غزه بدر در زمانی که قطیفه سرخی از غنایم گم شد، اعلام کردند: پیامبر برداشته است. خدا با نزول آیه فوق (آل عمران ۱۶۱) تأکید کرد که پیامبر در مسائل اقتصادی پاک و منزه است.^{۱۶} پیامبر (ص) نه تنها در مسائل اقتصادی امانتدار بود، بلکه در همه امور از جمله مسائل وحی و ابلاغ آن نیز کوتاهی و کم کاری نداشته و امانتدار خوبی بوده که خدا بر آن، مهر تایید زده است.

قرآن مجید می فرماید: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا هَمَانَا خدایوند به شما فرمان میدهد که امانتها را به اهل آن بدهید.^{۱۷} این مهم در سیره زندگی رسول خدا (ص) قبل از بعثت و بعد آن مشهود بود. این مهم در سیره زندگی از بعثت به «محمد امین» معروف بود و مردم اشیای گران بهای خود را نزد آن حضرت به امانت می سپردند. حتی در شب هجرت لیلۃ (المبیت) که رسول خدا (ص) مخفیانه از مکه خارج شد، امانت های مردم را که اغلب از کفار، بودند نزد ام ایمن نهاد و به امیرمؤمنان (ع) فرمود که در موقع مناسب به صاحبانش برگرداند. امیر مؤمنان (ع) سوگند میخورد که لحظه ای قبل از وفات پیامبر (ص)، سه بار از او شنیدم که فرمود: «یا ابا الحسن اد الامانه الی البر والفاجر فیما قل و جل حتی فی الخیط والمخیط ای علی! امانت را به نیکوکار و بد کار پس بده کم باشد یا زیاد حتی نخ و سوزن».^{۱۸}

پ) صداقت و راستگویی

جامعه ی عرب در روزگاران پیش از اسلام، بنا به ماهیت قبیله ای و برخوردار نبودنش از حاکمیت سیاسی و نظم مدنی، متأثر از آداب و سنتهایی بود که پیوندهای درونی و بیرونی قبیله را تنظیم میکرد. در پی درخواست برخی از مشرکان صاحب نفوذی که اسلام آوردن خود را به فاصله گرفتن آن حضرت از مسلمانان فقیر مشروط می کردند رد کرد و کلام خدای متعال را پیروی نمود که در قرآن کریم چنین فرمان داد «وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَ مَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ كَسَانِي رَا كَه صَبِح وَ شَام خدای میخوانند و جز ذات پاک او نظری ندارند از خود دور مکن.. نه چیزی از حساب آنها بر توست و نه چیزی از حساب تو بر آنها که اگر آنها را طرد کنی از ستمگران گردی».^{۱۹} پیامبر اکرم (ص) برای تحقق عدالت اجتماعی کارهایی انجام داد که مبارزه با قشربندی های موهوم اجتماعی از مهم ترین آنها بود ایشان با طبقه بندی اشراف و غیر اشراف که عمدتاً از مادیات همانند ثروت، قدرت سرچشمه گرفته بود مخالفت کرد و برابری و مساوات انسانها را به عنوان شعار خود مطرح کرد. در برخی منابع روایت شده که ابوسفیان نیز علی رغم میلش در جواب هرقل امپراتور روم که از او پرسیده بود آیا پیش از آن که محمد (ص) ادعای پیامبری کند، نزد شما به دروغ گویی متهم بود یا نه، رسول خدا (ص) را به

^{۱۴} حمد، بشیر (۱۴۱۲) فی عصر الجاهلی، قاهره: دارالنهضة عربیه ص ۵۸

^{۱۵} آل عمران/ ۱۶۱

^{۱۶} سیوطی، ۱۴۳۲، ج ۱-۲، ۸۷۲

^{۱۷} نساء/ ۵۸

^{۱۸} مجلسی، ج ۴: ۲۳۱

^{۱۹} انعام/ ۵۲

راستی و درستی ستوده بود.^{۲۰} به گفته ابن عباس کفار مکه خوب میدانستند که رسول خدا(ص) هرگز دروغ نمی گوید؛ او را امین می نامیدند؛ اما باز انکارش می کردند.^{۲۱}

(ت) عفو و گذشت

خدای متعال می فرماید: وَ جَزَاؤُا سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»
کیفر بدی مجازاتی همانند آن است هر کس عفو و اصلاح کند اجر و پاداش او با خدا است، خداوند ظالمان را دوست ندارد.^{۲۲} پیامبر (ص) مأمور به آن است که در برابر دیگران همواره بر اساس عفو و گذشت عمل کند. خدا می فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ عفو را بگیر و بر اساس عرف و معروف فرمان ده و از جاهل و بی خرد اعراض کن!»^{۲۳} در سیره اجتماعی پیامبر اکرم (ص) نیز مهربانی و سازش با مردم ویژگی برجسته آن حضرت و شایسته پیروی است: «وَ أَمَّا الَّتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَهِيَ أَنْ يُدَارِيَ النَّاسَ وَ يَعَامِلَهُمْ بِالْأَخْلَاقِ الْحَنِيفِيَّةِ؛^{۲۴} پیامبر اسلام(ص) به عنوان پیام آور وحی الهی و رهبر و مقتدای خلق عالم، افزون بر بیان، در عمل نیز مظهر رحمانیت و رحیمیت و اهل گذشت بوده اند.

(ج) احسان

از مهمترین صفات پیامبر(ص) احسان و نیکی به دیگران است. آن حضرت(ص) چنان بود که همواره از در خیرخواهی امت وارد میشد و با گذشت و عفو از خطاهای دیگران حتی کمک می کرد تا به رفتاری اقدام کنند که برای ایشان سعادت دنیا و آخرت را به دنبال داشته باشد. از نظر قرآن برخی از اعمال از جمله انفاق مادی موجب میشود تا نفس انسانی به یک ثبات برسد و از هرگونه اضطراب و تشویش رهایی یابد و پ «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و مثل کسانی که اموال خود را در طلب رضای خداوند و استواری روح خود انفاق می کنند، همچون مثل باغی است که در نقطه ای بلند باشد و از هوای آزاد بحد کافی بهره بگیرد و بارانهای درشت به آن برسد و میوه ی خود را دو چندان بدهد.^{۲۵}

پیامبر (ص) با گرفتن زکات مال بر آن بود تا این تثبیت نفس را برای مومنان ایجاد کند. از این رو، نه تنها خود اهل احسان بود، بلکه در عمل به مومنان می آموخت که اهل احسان باشند تا به تطهیر، تزکیه و تثبیت نفس خویش دست یابند. از طرف دیگر با صبر بر مشکلات زندگی، کانون خانواده ای مناسب برای دیگران ایجاد میکردند از همین رو فرزندخوانده خویش را به حفظ نعمت همسر دعوت میکند و از وی میخواهد تا با احسان اجازه ندهد کانون گرم خانواده فروپاشد.
وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَخْفَى فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى رَيْدًا مِنْهَا وَ طَرَأَ زَوْجَانِهَا لَكَ لَآ يَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَ طَرَأَ وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَعْتُورًا» (به یاد آر) زمانی که به (زید بن حارثه، کسی که خداوند بر او نعمت اسلام) و (ایمان داده بود و تو (نیز) به او نعمت (آزادی) داده بودی میگفتی همسرت را نگاه دار و او را طلاق (نده) و از خدا پروا کن و در دلت چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار میکند و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی. پس چون دوران کامیابی زید از همسرش پایان یافت و از او جدا شد ما او را به همسری تو در آوردیم تا در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسر خوانده هایشان هنگامی که طلاق گیرند مشکلی نباشد، و فرمان خداوند انجام شدنی است.^{۲۶}

(د) تحیت و سلام در ارتباط اجتماعی

^{۲۰}. زمخشری، ۱۴۱۸، ج ۲ ص ۱۸

^{۲۱}. قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۴۱۶

^{۲۲}. شوری، ۴۰

^{۲۳}. اعراف/ ۱۹۹

^{۲۴}. مجلسی، ج ۲۶۱، ۷۵

^{۲۵}. بقره/ ۲۶۵

^{۲۶}. احزاب/ ۳۷

یکی از مهمترین آداب اخلاقی در رفتار اجتماعی، تحیت و سلام در هنگام ورود به مجالس و دیدار با دیگران است که بیانگر اعلان صلح و سلامت به آنان است. کسی که سلام می فرستد امنیت را برای دیگری طلب میکند و زندگی و حیات او را آرزو میکند و هرگونه خوف و ترس را از مخاطب می زداید. اصولاً پیامبر(ص) با سلام و تحیت بر آن است تا مردم را به حقیقتی توجه دهد که بیانگر اعلان سلامت و صلح است. ایشان با هر کسی مواجه میشود این گونه رحمت را به سوی آنان سوق میدهد و رفتار بد و زشت ایشان را نادیده می گیرد تا در مسیر درست قرار گرفته به اصلاح خطا بپردازند «قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ» بگو سپاس برای خداست و سلام بر آن، بندگان که آنان را برگزید آیا خدا بهتر است یا آنچه را که شریک قرار میدهند؟^{۲۷}

(ذ) دلسوزی

از مهمترین صفت پیامبر (ص) دلسوزی نسبت به مردمان است؛ پیامبر (ص) دلسوزانه با مردم رفتار می کرد و ایشان را از آتش دوزخ میترساند. لا تَمْدَنُ عَيْنِيكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ «ای پیامبر! به آنچه که ما با آن گروههای از کفار را کامیاب کرده ایم چشم مدوز و بر آنان اندوه مخور و با محبت خویش را برای مؤمنان فروگستر^{۲۸} پیامبر آنگونه به این آیه عمل می نماید تا جایی که خداوند به او نهیب میزند که از شدت دلسوزی برای آنها این قدر حسرت هدایت یافتن آنها را نخورد. أَقْمَنْ رَبِّينَ لَهُ سَوْءُ عَمَلِهِ فَرَأَهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»^{۲۹}

(ح) رحمت عام برای جهانیان و رحمت خاص برای مومنان

پیامبر (ص) با هر کسی با توجه به موقعیت و شخصیت ایشان عمل و رفتار میکرد. رفتار پیامبر(ص) با مومنان بسیار نرم و رحیمانه و با دشمنان سختگیرانه بوده است. پیامبر (ص) هر چند رحمتی برای جهانیان است: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) اما به مومنان توجه خاص و رحیمانه ای دارد.^{۳۰} به یقین رسولی از خود شما بسویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رؤف و مهربان است!

(ج) مدارا و ملایمت

از دیگر صفات پیامبر (ص) که میتوان آن را در سطح مکارم اخلاقی دانست مدارا و ملایمت با دیگران به ویژه دشمنان غیر معاند است. ایشان بدی را با بدی پاسخ نمی داد بلکه بدی را با نیکی پاسخ میداد و در سطح مکارم اخلاقی با دیگران رفتار داشت؛ چنانکه فرمان الهی این گونه است: ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ «ای پیامبر! بدی را به بهترین روش دفع کن در مقام انتقام و مقابله به مثل مباحش) ما به آنچه مخالفان توصیف میکنند آگاه تریم میدانیم که مشرکان مرا به گرفتن فرزند و شریک و تو را به سحر و جادو توصیف می کنند.^{۳۱}

و نیز می فرماید: «وَ لَا تَسْتَوِيَ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَ نِيكِي بَا بَدِي يَكْسَانُ نَيْسَتْ؛ بدی) دیگران را با شیوه ی بهتر که نیکی است دفع کن که این هنگام آن کس که میان تو و او دشمنی است همچون دوست گرم میشود و عداوتش نسبت به تو تمام می شود.^{۳۲}

همین گونه است که پیامبر(ص) در برابر ضلالت گمراهان به گونه ای عمل میکرد که ایشان جلب و جذب شوند نه آنکه آنان را طرد کرده و براند. «قُلْ إِنْ ضَلَلْتُمْ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَ إِنْ اهْتَدَيْتُمْ فِيمَا أُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ» بگو: اگر من گمراه شده باشم به زبان خود گمراه شده ام، و اگر هدایت یافته باشم پس به (برکت) چیزی است که پروردگارم به من وحی می کند، همانا اوست شنوای نزدیک.^{۳۳}

^{۲۷}.نمل/ ۵۹

^{۲۸}.حجر/ ۸۸

^{۲۹}.فاطر/ ۸

^{۳۰}.انبیاء/ ۱۰۷

^{۳۱}.مومنون/ ۹۶

^{۳۲}.فصلت/ ۳۴

^{۳۳}.سبأ/ ۵۰

(خ) اخلاص

یکی از ویژگیهای اخلاقی آن حضرت (ص) اخلاص در عمل بود ایشان هرگز به طمع امری جز رضای خدا اقدام به کار نمی کرد و در همه اعمال خویش تنها رضای خدا را میجست ربا و منت در کارهایش نبود و برای ریاست یا کسب شهرت کاری را انجام نمیداد ایشان همه زندگی خویش را وفق رضای الهی میکرد و نماز و دیگر اعمال عبادی و حیات و ممات خویش را برای خشنودی خدا به کار می گرفت. که در آیات زیر به آنها اشاره شده است: «قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ» ای پیامبر به اهل (کتاب بگو آیا درباره ی خداوند با ما مجادله میکنید در حالی که او پروردگار ما و شماسست و اعمال ما برای ما و اعمال شما از آن شماسست و ما برای او خالصانه عبادت میکنیم.^{۳۴} و با صبر بر مشکلات زندگی، کانون خانواده ای مناسب برای یکدیگر ایجاد کنند از همین رو فرزندخوانده خویش را به حفظ نعمت همسر دعوت میکند و از وی میخواهد تا با احسان اجازه ندهد کانون گرم

خانواده فروپاشد. و إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَنْعَمْتُ عَلَيْهِ عَلَيكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَخْفَى فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى رَيْدًا مِنْهَا وَ طَرَأَ زَوْجَانَا كَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَ طَرَأَ وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» (به یاد آر) زمانی که به (زید بن حارثه، کسی که خداوند بر او نعمت اسلام) و (ایمان داده بود و تو (نیز) به او نعمت (آزادی) داده بودی میگفتی همسرت را نگاه دار و او را طلاق (نده) و از خدا پروا کن و در دلت چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار میکند و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او ترسی. پس چون دورانی کامیابی زید از همسرش پایان یافت و از او جدا شد ما او را به همسری تو در آوردیم تا در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسر خوانده هایشان هنگامی که طلاق گیرند مشکلی نباشد، و فرمان خداوند انجام شدنی است.^{۳۵} فَإِنْ حَاجَّكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَ مَنِ اتَّبَعَنِي وَ قُلْ لِلَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ وَ الْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» از این رو) پس اگر با تو به گفتگو و ستیز و محاجه برخاستند با آنها مجادله مکن و) بگو: من و پیروانم روی به خدا تسلیم کرده ایم و به اهل کتاب یهود) و (نصاری) و امتین (مشرکان بیسواد مگه بگو آیا شما هم در برابر خدا) تسلیم شده اید، پس اگر تسلیم شدند و اسلام آوردند همانا هدایت یافته اند و اگر سرپیچی کردند (نگران، مباحث (زیرا وظیفه ی تو فقط رساندن دعوت الهی است نه اجبار و اکراه) و خداوند به حال و عمل بندگان بیناست.^{۳۶} ل) استقامت و ادب پیامبر(ص) در تبلیغ اسلام

اهداف و دیدگاه های این انقلاب الهی در هر یک از ابعاد و سنت های مزبور با عملکرد، امیال، اهداف، موقعیت و ساختار اندیشه اشرافیت و سرمایه داری مکه همسو و همساز نبود. از این رو، مشرکان با آغاز دعوت علنی رسول اکرم در سال سوم بعثت، با تمام توان در راستای خنثی کردن برنامه ها و اهداف الهی آن حضرت تلاش کردند و به مدت هجده سال، یعنی تا فتح مکه، به ترفندها و شیوه های متنوع و متعددی همانند فعالیت های تبلیغاتی، تطمیع، طرح خواسته های نامعقول، تهدید و شکنجه، تحریم همه جانبه، طرح ترور، تعیین جایزه و قیام مسلحانه توسل جستند. «فَأَسْتَقِيمُ كَمَا أَمَرْتُ وَ مَنِ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْعَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» پس (ای پیامبر!) همان گونه که مأمور شده ای استوار باش و (نیز) هر کس که با تو به سوی خدا آمده است و سرکشی نکنید که او به آنچه می کنید بیناست.^{۳۷} آن حضرت (ص) در برابر، حق تسلیم و در برابر باطل سازش ناپذیر است ایشان خود را خالص برای خدا دانسته و در برابر دین اسلام تسلیم محض است و اولین مسلمان است و هرگز تن به سازش نمیدهد. همانگونه که آیات زیر به آن اشاره نموده «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُعْبِدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ وَ أُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ»^{۳۸} در این میان استقامت و پایداری پیامبر(ص) نمونه ای اجتماعی از به ثمر نشستن هدف بالقوه دارد. چنین باوری خستگی در وجودش معنایی ندارد لذا قرآن میفرماید

^{۳۴}. بقره/۱۳۹

^{۳۵}. احزاب/۳۷

^{۳۶}. آل عمران/۲۰

^{۳۷}. هود/۱۱۲

^{۳۸}. زمر/۱۲

است. بنابراین، کسی که به طور قطع احراز کرد یا اطمینان داشت که می‌تواند عدل را در تعدد زوجات رعایت کند یا ترس عقلایی بر عدم رعایت عدالت نداشت، اقدام به این امر برای او جایز است.^{۴۴}

از جمله احکامی که تنها به پیامبر اکرم (ص) اختصاص دارد، «ازدواج با بیش از چهار زن به صورت دائمی» می‌باشد که پیامبر (ص) با دادن مهریه این زنان، با آنها ازدواج می‌کرد و بیش از چهار زن برای سایر مسلمانان حرام بود: (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا؛ و اگر می‌ترسید که (هنگام ازدواج با دختران یتیم) عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان چشم‌پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمایید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره همسران متعدّد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید و یا از زنانی که مالک آنها هستید، استفاده کنید. این کار از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند) (النساء/۳)

محور بحث این آیه، جواز ازدواج دائمی حداکثر با چهار زن در صورت رعایت عدالت می‌باشد و گرنه شوهر معذور نخواهد بود. اسلام به مردانی که توان رعایت عدالت بین همسران را دارند، اجازه می‌دهد که با دو، سه یا چهار زن ازدواج کنند و یک همسر را فرمود، چون به گفتن نیاز نداشت. افزون بر آنکه در ذیل آیه، آن را در صورت هراس از عدم رعایت عدالت بین همسران بیان کرده است. نتیجه آنکه دقت در سیره پیامبر اکرم (ص) و زهد ایشان نسبت به دنیا و زینت‌های آن نشان می‌دهد که بی‌تردید ازدواج‌های رسول خدا (ص) مانند ازدواج‌های مردم عادی نبوده است. به علاوه، سیره و سفارش پیامبر (ص) همواره در احیای حقوق از دست رفته زنان در قرون جاهلیت، تجدید حرمت به باد رفته آنها و احیای شخصیت اجتماعی آنها بوده است (ر.ک؛ جوادی آملی، ج ۱۷: ۲۹۳ و ۲۹۷). پس چون پیامبر اکرم (ص) قادر بودند هم عدالت فقهی - حقوقی و هم عدالت قلبی را میان همسران خود رعایت نمایند، مجاز به ازدواج دائم با بیش از چهار همسر می‌باشند، اما دیگران که توانایی انجام این کار را نداشتند، بیش از این مجاز نیستند.

ی) پیامبری از مردم برای مردم

حیات اجتماعی عرب در روزگاران پیش از اسلام بر سازمان عشیره‌های و قبیله‌های استوار بود؛ به گونه‌ای که میتوان بارزترین ویژگی زندگی عرب جاهلی را در پیوندش به نظام قبیله‌های دانست، زیرا همه‌ی شرافت و افتخار او در نسبت با قبیله، معنا می‌یافت. آنچه حیات قبیله را ت مبتنی بر خون بود که منشأ پیوند استوار میان افراد قبیله محسوب میشد، و در آن روزگاران، قوام و دوام میبخشید، یکی، عصبی دیگری، عصبیت مبتنی بر انتساب به نیایی مشترک بود که همه‌ی اعضای قبیله را در سایه‌ی نام او یکپارچه می‌نمود. در پرتو همین عصبیت بود که قبیله‌های بادیه نشین میتوانستند از موجودیت خود دفاع کنند و برای تضمین بقایشان و دستیابی به قدرت و ثروت بیشتر، حریم رقیبان را مورد تعرض قرار دهند و موقعیت آنها را به مخاطره اندازند. از همین رو بود که زندگی عرب در کشمکش و ستیز در این کشمکشها، گاه با هدف کسب روزی بیشتر، بر قبیله‌های دیگر شبیخون میزد، و گاه برای حفظ کیان قبیله‌ی دائم میگذشت خود، مجبور به دفاع از حریم آن میشد. کنش‌های هجومی عرب و واکنش‌های دفاعی او، ضرورت دسته‌بندی و هم پیمانی با قبیله‌های دیگر را دو چندان میکرد. در چنین فضایی بود که حلف با کارکردهای ویژه اش مورد توجه قبیله‌های عرب قرار میگرفت. چهار خصوصیت پیامبر صلی الله علیه و آله در یک آیه؛

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ؛ هر آینه پیامبری از خود شما، بر شما مبعوث شد، هر آنچه شما را رنج می‌دهد بر او گران می‌آید، سخت به شما دلبسته است و با مؤمنان رؤوف و مهربان است.

الف. از جنس خود مردم (رسول من انفسکم)

ب. رنج و ناراحتی مردم بر او سخت ناراحت کننده است. (عزیز علیه ما عننتم)

ج. علاقمند به مردم (حریص علیکم)

د. رئوف و مهربان نسبت به مؤمنان. (بالمؤمنین روف رحیم)

همه بیانگر روح مسئولیت پذیری پیامبر(ص) در برابر جامعه و مردم است.^{۴۵}

شش ویژگی پیامبر صلی الله علیه و آله در یک آیه
فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ
عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ به سبب رحمت خداست که تو با آنها این چنین خوشخوی و مهربان هستی. اگر تند خو و سخت دل می
بودی از گرد تو پراکنده می شدند. پس بر آنها ببخشای و برایشان آموزش بخواه و در کارها با ایشان مشورت کن و چون قصد کاری کنی
بر خدای توکل کن، که خدا توکل کنندگان را دوست دارد.

الف. مهربانی و نرمش با مردم

بازگو کردن آنها نیست و تنها به بیان شهید مطهری در این باره بسنده می کنیم با اینکه فرمانش میان اصحاب بی درنگ اجرا می شد و
آنها مکرر میگفتند و چون به تو ایمان قاطع داریم اگر فرمان دهی که خود را در دریا غرق کنیم و یا در آتش بیفکنیم میکنیم او هرگز به
روش مستبدان رفتار نمی کرد. در کارهایی که از طرف خدا دستوری نرسیده بود با اصحاب مشورت می کرد و نظر آنها را محترم میشمرد
و از این راه به آنان شخصیت میداد در بدر مسئله اقدام به جنگ همچنین تعیین محل اردوگاه و نحوه رفتار با اسرای جنگی را به شور
گذاشت. در

أحد نیز راجع به اینکه شهر مدینه را اردوگاه قرار دهند و یا اردو را به خارج ببرند، به

مشورت پرداخت. در احزاب و در تبوک نیز با اصحاب به شور پرداخت^{۴۶}

ب. پرهیز از خشونت

وقتی مکه فتح شد مسلمانها پایکوبی می کردند و شعار می دادند امروز تلافی کنیم.. حضرت فرمود نه درست است که مردم مکه خیلی .
مرا شکنجه دادند اما امروز که مکه را فتح کردیم امروز روز رحمت است روز انتقام نیست مردم مکه :گفتند یا رسول الله میخواهی با ما چه
کنی؟ ما یک عمری تو را شکنجه کردیم.. الآن در مکه پیروز شدی، فتح مکه است میخواهی چه کنی؟ گفت: برادرم یوسف چه کرد؟ مگر
همه را نبخشید؟ برادرم برادرهایش را بخشید، من کل شما را یکجا می بخشم.^{۴۷}

ج. عفو و بخشش خطاکاران

برخی از انصار پس از آنکه مشاهده کردند رسول خدا(ص) به مردانی از قریش و دیگر قبائل عرب بخششهایی کرد و از این بابت به انصار
که از پیشگامان و مجاهدان بودند چیزی نداد، زبان به اعتراض گشودند که چرا آنها را بر ما ترجیح دادی؟ رسول خدا(ص) فرمود همه
معترضان در یکجا گرد آیند . آن گاه به سخن پرداخت و با بیانی شیوا و مستدل آنان را به موجبات این تصمیم و به اشتباه خودشان واقف

^{۴۵} خان زاده، ۱۳۸۲، شماره ۵۵

^{۴۶} . مطهری، ۱۳۷۸: ۱۸۷

^{۴۷} . کلینی، ج ۴، ص ۲۲۴

ساخت؛ چندان که همگی آنان به گریه افتادند و پوزش خواستند و گفتند ما به همین که رسول خدا(ص) همراه ما به مدینه باز گردد
خشنود و سرافرازیم^{۴۸}

د. طلب مغفرت برای خطا کاران

در سیره اجتماعی پیامبر اکرم(ص) نیز، مهربانی و سازش با مردم ویژگی برجسته آن حضرت و بسته پیروی است: «وَأَمَّا الَّتِي مِنْ رَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَهِيَ أَنْ يُدَارِيَ النَّاسَ وَيَعَامِلَهُمْ بِالْأَخْلَاقِ الْخَنِيفِيَّةِ؛»^{۴۹} پیامبر اسلام(ص) به عنوان پیام آور وحی الهی و رهبر و
مقتدای خلق عالم، افزون بر بیان، در عمل نیز مظهر رحمانیت و رحیمیت و اهل گذشت بوده اند. وقتی پیامبر اکرم(ص) در مکه برای
دعوت مردم به خداپرستی ظهور کرد، با عکس العمل شدید مواجه گشت؛ و قریش از هیچ گونه آزار و شکنجه و افتراات و اهانت دریغ
نورزیدند و او را فردی کذاب، ساحر، مجنون و..... معرفی می کردند و وقتی این اعمال سخیف را به اوج میرساندند، عکس العمل
پیامبر(ص) این بود که: «اللهم اغفر لقومي بانهم لا يعلمون»^{۵۰}

و. مشاوره و هم فکری با مؤمنان

ه. ساده زیستی و وارستگی از دنیا

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله امور زندگی خود را همانند مسایل عبادی بر اساس توجه به قرآن تنظیم می کرد. بی توجهی به
مظاهر دنیا و بی رغبتی به آنها نشانه توجه تام رسول اکرم صلی الله علیه و آله به معارف قرآن است و از جمله آیاتی که به این مطلب
اشاره دارد آیه «فلا تعجبك أموالهم و لا اولادهم» دارایی ها و فرزندان کفار و متکبران دنیا تو را به شگفت در نیاورد زیرا خدای سبحان
عده ای را با مال و فرزند که فتنه اند عذاب می کند. پس، اگر کسی به متاعی یا مقامی نایل شود ناچار است بر اثر علل طبیعی مانند
مریضی و کهنسالی و مرگ و یا علل سیاسی و اجتماعی آن را به دیگری بسپارد و با ساده زیستی راه مستقیم به آسانی طی خواهد شد. از
این رو رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «نحي المخبون» سبکباران بهتر به مقصد می رسند و اهل نجات اند. موارد فوق نمونه ای از
دریای معرفت پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله بود.

^{۴۸}. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲ ص ۱۷۳

^{۴۹}. مجلسی ج ۲۶۱، ۷۵

^{۵۰}. مجلسی، بحار، ج ۹۵ ص ۱۶۷

نتیجه‌گیری

می‌توان نتیجه گرفت که مصداق واقعی اشرف مخلوق و انسان کامل، شخص رسول گرامی اسلام است که می‌تواند الگوی برتر کسب کمال، برای همه انسان‌ها در همه دوره‌ها باشد. نقش پیامبر(ص) در بردارنده تحولات، دگرگونی‌ها و عرضه نظریه‌ها و دیدگاه‌های نو در ابعاد مختلف اجتماعی بود. در یک بُعد، کیفیت انتخاب ملاک‌ها و قوانین مؤثر و نافذ آن شکل گرفت. جوانان و بردگان، که در ساختار سیاسی جایگاه و منزلتی نداشتند، به عرصه اجتماع آمده و در زمره دستیاران و مشاوران برجسته رهبری جدید، محمد بن عبدالله(صلی الله علیه وآله)، قرار گرفتند. در مقوله و ارائه دیدگاه‌های اقتصادی، بر تمول و ثروت به عنوان شاخص و عامل برتری خط بطلان کشیده شد؛ راه‌های کسب درآمدهای نامشروع، که به عنوان زیربنای تکاثرطلبی زراندوزان مکه محسوب می‌گردید، زیر سؤال رفت. در بُعد دیگر، برتری و اعتلای طبقه‌ای که نشأت گرفته از ملاک‌های نابخردانه بود مورد خدشه واقع شد و عامل تقوا و پرهیزگاری جایگزین آن گردید، لذا ارزش‌های منفی و موجب افتخار اشرافیت، در ابعاد گوناگون به نقادی درآمد، خوشگذرانی‌ها و لذت‌طلبی‌های منفی جاهلانه تقبیح و تقلید ناآگاهانه از پیشینیان ممنوع و امری ناپسند تلقی شد.

منابع

قرآن کریم

- ۱- حمد، بشیر(۱۴۱۲)، فی عصر الجاهلی، قاهره دارالنهضة عربیه ص ۵۸
- ۲- حر عاملی، محمد بن حسن،(۱۴۱۲ ق)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دار الاحیاء
- ۳- خان زاده، رویا،(۱۳۸۵)، (مقاله اخلاق پیامبر(ص) در قرآن، بشارت، شماره ۵۵
- ۴- قمی، عباس(۱۳۵۹ ق)، سفینه البحار، تهران، نشر فراهانی ۱۴۰۲، نه جلدی
- ۵- قرطبی، شمس الدین، الجامع لاحکام القرآن، تحقیق ابراهیم بردونی، چاپ دوم ۱۳۸۴ ه ش، ۲۰ جلدی
- ۶- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش، چاپ یازدهم، به نقل از تفسیر کبیر فخررازی.
- ۷- طبرسی، فضل بن حسن(۵۴۸ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه و تحقیق؛ رسولی، هاشم، نشر ناصر خسرو، ۱۳۸۴

- ۸- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، تفسیر موضوعی قرآن، نشر اسراء، ۱۳۹۰ چاپ سوم
- ۹- سیوطی، جلال الدین (۱۴۳۲)، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
- ۱۰- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۸۱)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، قم: اسلامیه
- ۱۱- کاشانی، ملا محسن فیض (۱۰۹۰ ق)، الصافی فی تفسیر قرآن، ۷ جلدی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۳۷۳.
- ۱۲- مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، قم، انتشارات صدرا
- ۱۳- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- ۱۴- زمخشری، جارالله، (۱۴۱۸)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی